

تجربه کارگران الکتریک ایران - رشت

کانون مدافعان حقوق کارگر

سه شنبه پانزدهم مرداد ۱۳۸۷



- با سلام و تشکر آیا می توانید به ما بگویید بعد از آخرین باری که کارگران برای پیگیری مطالباتشان به تهران آمدند و به وزارت کار و صنایع مراجعه کردند، آلا ن وضعیت کارگران و مطالباتشان در چه مرحله ای است؟

- در تهران قول دادند که مساله رسیدگی خواهد شد و بعد از برگشت از تهران توافق نامه ی جدیدی از طریق نمایندگان امضا شد که مفاد توافق نامه قبلی را منتفی می کرد. در توافق

نامه ی قبلی آمده بود که سه ماه و نیم به هر کارگر تعلق بگیرد و بابت بازخرید و ... زمینی به کارگران تعلق گرفت. اما با این توافقنامه ی جدید این گونه نشد به این معنا که زمین مستقیما به کارگران منتقل نشود، بلکه پول ناشی از فروش زمین با نظارت کار گروهی متشکل از نمایندگان استانداری، فرمانداری و اداره کار به کارگران پرداخت گردد. یعنی زمین با نظارت نمایندگان کارگران فروخته و پول بین کارگران تقسیم شود.

در واقع مسئله زمین که کارگران آنهمه برای تفکیک و تغییر کاربری و غیره دوندگی کرده بودند عملا "منتفی شد. قبلا" قرار بر این بود که زمین بعد از تغییر کاربری و فروخته و سنوات سه ماه و نیمه پرداخت و مازاد نیز بین کارگران تقسیم شود یعنی قرار بود اگر قیمت زمین اضافه بر مطالبات کارگران باشد، مازادش بین کارگران تقسیم شود. از طرف دیگر توافق نامه ی اولیه مربوط به سال ۸۳ بود و در توافق نامه کارفرما متعهد شده بود ظرف ششماه به تعهدات خود عمل کند همه میدانیم که از سال ۸۳ تا حالا زمین چقدر گرانتر شده و ارزش پول پایین آمده حال چگونه است که مسئله زمین به کناررفته ؟ و کارگران به جای اینکه بابت تاخیر ضرر و زیان هم بگیرند همان سه ماه و نیم را هم نگرفتند. کلیه مزایا و مطالبات را کسر کردند محاسبات هم ارایه نشد. زمین را خود آن کار گروه در اختیار گرفت. از اسفند ۸۶ پرداخت این پول به صورت چند مرحله ای و تکه تکه نه یکجا به کارگران شروع شد. یعنی با ۴ سال تاخیر و این که ارزش پول این همه پایین آمده است. در واقع تنها کاری که انجام شد این بود که فقط دوباره آمدند و یک محاسبه ی سنوات انجام دادند و معلوم نیست به چه دلیل زمینی، که این قدر کارگران برای تفکیک و تغییر کاربری آن وقت گذاشتند، به تهران آمدند ، به استانداری مراجعه کردند به کارگران داده نشد. یعنی در حقیقت در این میان از کارگر استفاده شد برای تغییر کاربری زمین. هیچ هم مشخص نیست زمین را چه کسی خریده و با چه شرایطی . یک بار می گویند زمین یکبار فروخته شده و بار دیگر می گویند زمین تکه تکه فروخته می شود. هر بار ما نام خریدار متفاوتی را می شنویم. سوال ما این است که چرا گزارش شفافی از فروش زمین به کارگران داده نشده است.

- هر کارگری چه میزان دریافت کرده است؟

- بسته به سابقه ی هر کارگر متفاوت است. زیر ۵ سال سابقه (که تعدادشان خیلی کم است) حدود سه ماه و نیم بدون مزایا و بالای ۵ سال حدود سه ماه و دو روز (بدون مزایا). چیزی بین ۶ تا ده میلیون تومان. آن هم به اقساط. البته ریزرقم ها

را نمی دانیم چون این مساله هم مشخص نیست و ریز محاسبات ارایه نشده.. نهایتا کارگران خودشان شفاهی به دوستانشان گفته اند که چقدر گرفته اند. این که لیستی داده شود که کارگران بدانند این مطالبات چگونه محاسبه شده است وجود ندارد.

- فکر می کنید چرا این گونه عمل کردند؟ چرا در این موارد شفاف عمل نمی کنند؟

- حتما" نقاط ضعفی وجود دارد وگرنه چرا کارگر نباید بداند زمین به چه کسی یا کسانی فروخته شده و متری چقدر؟ مگر آن تکه زمین برای سنوات کارگران نبود و متعلق به کارگران نبود؟ کارگران حق دارند گزارش شفاف و کتبی در این مورد بخواهند.

- به عنوان کارگری که سال ها در این کارخانه کار کرده اید و در همه این مسایل شرکت داشتید، آآن بعد از ۴ سال ، از این جایی که هستید بخواهید فراز و فرودهایی را که این حرکت داشته ببینید ، آن را چگونه جمع بندی می کنید؟ چه کارهایی اگر کارگران می کردند آآن وضعیت بهتری داشتند.

- بزرگترین اشتباه واگذاری کارخانه قبل از دریافت مطالبات بود. دلیلی نداشت کارگران کارخانه را واگذار کنند. سنگر دوم کارگران یک تعاونی بود که محل تجمع شان در این مدت بعد از واگذاری کارخانه بود، که انجا را هم فروختند. رقمی که بابت این تعاونی به هر کارگر تعلق گرفت آنقدر نبود که ارزش داشته باشد، چنین کاری انجام شود. (حدود ۱۰۰ هزار تومان) کارگری که چند میلیون سنوات طلب دارد، مساله اش این صد هزار تومان نبود. البته کارگران با فروش تعاونی موافقت کرده بودند. اما قرار بود که بعد از گرفتن تمام مطالبات این کار انجام شود . الان نمایندگان به دفتری در یک مسجد منتقل شده اند و عملا دیگر محلی برای تجمع کارگران وجود ندارد.

- صحبت از اشتباه بودن واگذاری کارخانه کردید. می توانید در این مورد بیشتر توضیح دهید؟

- در همان توافق نامه ای که در سازمان صنایع بین نمایندگان کارگران و خریداران با نظارت مسولان استان انجام شد این بند گنجانده شده بود که کارگران باید کارخانه را ترک کنند. و محل دیگری برای ارتباطات کاری نمایندگان در نظر گرفته شود. پذیرفتن این بند اشتباه بزرگی بود. وقتی شما مطالباتتان را دریافت نکرده اید چرا باید کارخانه را ترک کنید. آن هم کارخانه ای را که مدتها نگهداری کردند و نگذاشتند اموال آن از کارخانه خارج شود و ماشین آلات را ببرند. این تنها اهرم فشاری بود که دست کارگران بود. چون خریدار به خاطر زمین و ماشین آلات آمده بود و آنرا خریده بود وقتی آن را تصرف کرده که دیگر دلیلی ندارد دنبال پرداخت مطالبات ما باشد و کارگران نمی توانند امتیازات خود را بگیرند. - برای این که مطلب روشن تر شود خلاصه ای از آنچه بر کارگران گذشت را بگوئید کارگران چه مرحله ای را طی کردند و روند حوادث را از موقعی که کارگران فهمیدند که کارخانه فروخته شده و یا تصمیم به فروش آن دارند، توضیح دهید.

- کارگران طی چند مرحله به بیمه بیکاری منتقل شدند. بار اول از سال ۸۰ تا ۸۲ به مدت ۱۸ ماه، گفتند می خواهیم تغییر ساختار بدهیم. به کارگران می گفتند این کارخانه توان جذب ۲ هزار نفر را دارد. نه تنها شما دو باره سر کار برمی گردید بلکه فرزندان شما را هم استخدام می کنیم. حتا کارگران برای فرزندانشان فرم پر کردند. کارگران مرتبا دغدغه این را داشتند که بعد از تمام شدن بیمه ی بیکاری وضعیت چه می شود؟ با وعده و وعیدهایی که داده شد، فرستاده شدن به بیمه ی بیکاری را پذیرفتند. بعد از اینکه بیمه بیکاری تمام شد، کارگران برگشتند. در حالی که شرکت طی دو مرحله ابتدا به شرکت آتیه دماوند و سپس به ۴ نفر فروخته شده بود. خریدار دوست نداشت آنها برگردند. اما با شرایطی که آن موقع وجود داشت، نتوانست جلوی برگشت کارگران را بگیرد.

تجمعات آنها از زمانی دوباره شروع شد که خریداران برای این که آنان را مجبور به بازخرید کنند، حکم های غیرمنصفانه می دادند. برای آنکه کارگر تحقیر شود و تحت فشار قرار گیرد. آنها را در شغل های پایین تری قرار می دادند. دفترچه های بیمه دیر به دیر تمدید می شد. حقوق پرداخت نمی شد و کارهایی از این قبیل. اما باز هم اقدام خاصی در این مرحله صورت نگرفت. تا این که خریدار اقدام به تخریب یکی از سالن ها کرد. این هشدار بود برای کارگران. آن موقع بود که کارگران متوجه شدند تغییر ساختار و انتقال کارخانه و ... واقعی نیست و همه ی اینها برای تصاحب زمین و ماشین آلات بسیار با ارزش کارخانه بوده است. همچنین کارگرانی که به کارخانه جدید در خارج از شهر، منتقل شده بودند متوجه شدند که تولیدی که انجام می شد، یک تولید صوری و ظاهری است. و کارخانه قرار نیست آنطور که گفته می شود بازگشایی شود. تنها به این دلیل که به عنوان یک مرکز تولیدی خریداری شده، می خواهند ظاهر را حفظ کنند. کارگران وقتی این را حس کردند، کارخانه را در اختیار گرفتند. از اسفند ۸۲ تا شهریور ۸۳ کارخانه را در اختیار داشتند. البته تولیدی انجام نمی شد. اما کارخانه در اختیار کارگران بود. و شب و روز از آن نگهداری می کردند و مانع خروج اموال و ماشین آلات می شدند. در همین مقطع اشتباه دیگری صورت گرفت و آن این بود که اجازه دادند اسناد و مدارک از کارخانه اصلی خارج و به شعبه جدید کارخانه منتقل شود. کارفرما به بهانه ای نمایندگان را راضی به اینکار کرده بود. در طی این مدت حقوق هم پرداخت نمی شد.

- یعنی تجمعاتشان را در آنجا برگزار می کردند.

- هم در کارخانه تجمع می کردند و هم در جلوی استانداری و اداره کار. اما این تجمعات پراکنده بود. این هم نقطه ضعف بزرگی بود.

در مجموع می توان اشتباهات را این گونه خلاصه کرد:

نباید کارخانه قبل از دریافت تمام مطالبات تحویل داده می شد.

طی توافق نامه اول باید مالکیت زمین به نحوی به کارگران منتقل می شد. وگرنه اظهار اینکه این زمین جهت سنوات کارگران است، در حالیکه سند آن همچنان به نام کارفرما است چه فایده ای دارد؟
نباید تعاونی قبل از دریافت مطالبات فروخته می شد.

و یک نکته بسیار مهم اینکه کارگران همواره باید نظارتی قوی بر نمایندگان خود داشته باشند. و در هر مرحله گزارش کتبی و شفافی بخواهند.

- آیا کارگران یک تشکل مستقل مثل سندیکا، انجمن صنفی و یا شورا داشتند که بتواند کارشان را دنبال کند؟

- خیر در دور اول اعزام به بیمه بیکاری، همان شورای اسلامی بود که عملکرد بسیار بدی داشت و دور بعد هم که انتخابات صورت گرفت، هیچ اساسنامه ای که مدت نمایندگی و اختیارات و مسیولیت ها را مشخص کند، نبود و انتخابات هم به صورت کتبی صورت نگرفت.

- نداشتن تشکل مستقل چه تبعات منفی برای کارگران داشت؟ یک تشکل مستقل مثل سندیکا یا شورا چگونه می تواند رسیدن کارگران به حقوقشان را تسهیل کند؟

- مهمترین مسئله در تشکل مستقل این است که باید پاسخگو به کارگرانی که انتخابش کرده اند باشد و مسایل را از آنها پنهان نکند و تصمیماتش مبتنی بر نظرات جمع باشد. اساسنامه داشته باشد. در فواصل معین گزارش ارایه نماید.

- آیا پیگیری مطالبات در تهران فایده ای برای کارگران داشت؟

- هر نوع پیگیری و انعکاس در حد خودش موثر است .

- شکایت قانونی و پیگیری مطالبات از طریق طرح شکایت در وزارت کار و تامین اجتماعی و ... صورت گرفت؟ در

چه زمانی انجام می شد بهتر بود؟

- زمانی که خریداران به مدت شش ماه حقوق پرداخت نکردند، شکایت نامه هایی تنظیم و به اداره کار ارایه شد و قبل از

اینکه کار به صدور حکم و احیاناً توقیف اموال بکشد، حقوق شش ماهه را پرداخت کردند و هنگام پرداخت متن از قبل

آماده شده ای را به کارگران دادند تا امضا کنند. کارگران باید به متن هایی که برای تصفیه حساب یا گرفتن حقوق امضا

می کنند، دقت کنند.

- آیا داشتن وکیل مفید است؟

- مسلماً مفید است. در مورد کارخانه ی ما که کارفرما تجربه داشت و از وکلا و مشاورین بسیار قوی برخوردار بود.

اما مفیدتر از وکیل، استفاده از تجارب کارخانجات دیگری است که قبلاً این مراحل را طی کرده اند.

- چه حمایت هایی از کارگران کارخانه شما طی این مدت انجام شد؟ و این حمایت ها چه تاثیری در روند کار شما

داشت؟(حمایت نیروها و تشکل های کارگری دیگر و کارگران کارخانه های دیگر)

اخبار در بعضی نشریات و همچنین سایت ها منعکس می شد و حمایت هایی نیز از جانب فعالان و تشکل های کارگری

اعلام می شد.

- در انتها می دانید که بسیاری از کارخانه های ایران دچار این سرنوشت شده اند. با توجه به تجربه ای که دارید، چه

پیام یا رهنمودی به کارگران آن کارخانه ها و مراکز تولیدی دارید. آنها چگونه با این قضایا(فروش کارخانه، تعویق

دستمزدها و...) باید برخورد کنند؟

۱. داشتن تشکل مستقل و نمایندگان مستقل و داشتن سیستم نظارتی قوی بر آنها

۲. داشتن صندوقی مستقل که در شرایط سخت بتوانند به آن تکیه کنند و کارفرما نتواند از ضعف مالی و استیصال کارگر

سوء استفاده کند

۳. استفاده از تجارب سایر کارخانه ها

۴. حفظ وحدت و جلوگیری از پراکندگی.

با تشکر و با امید به این که کارگران بتوانند با اتحاد و حرکت هماهنگ و متحدانه ی خود جلوی این گونه خصوصی

سازی ها را که به تعطیلی واحدهای تولیدی منجر می شود را بگیرند.

مصاحبه با کارگران شرکت الکتریک ایران رشت(راه آینده ۲)

چهارشنبه ۵ ۸۵/۶/۱ ، ساعت ۱۰ صبح خیابان انقلاب - ایستگاه ویلا

در پیادهرو و سکوی ایستگاه اتوبوس، جمعیت زیادی از مردان و زنان نشسته‌اند. از خانمی می‌پرسم: چه خبر

شده؟ می‌گوید: از رشت آمده‌ایم. از شرکت الکتریک ایران - رشت. دیشب وزارت صنایع بودیم. حدود سه سال است که

ما را از کار بی‌کار کرده‌اند و کسی پاسخ‌گوی ما نیست. همه‌اش وعده و وعید!

نعمتی نماینده‌ی کارگران گفت:

- شرکت الکتریک ایران - رشت در سال ۱۳۸۲ از بخش دولتی به بخش خصوصی واگذار شد. خریداران چهار خانم هستند، همسران آقایان، کرباسچی، قبه و دو خانم دیگر. کل واگذاری شرکت از ابتدا به صورت باندبازی بوده است. این افراد که اهل تولید و کار نیستند؛ شرکت را تعطیل و کارگران را بیرون کردند. از سال ۸۲ تا به حال شرکت تعطیل است. از سال ۸۳ کارگران را به بهانه‌ی مزاد، باز خرید کردند. حدود سه سال است که هنوز این مطالبات را پرداخت نکردند. بارها با مراجعه به تهران، وزارت صنایع، سازمان صنایع ملی، ریاست جمهوری، مجلس و در داخل استان به سازمان صنایع استان، استانداری مراجعه کردیم، اما متأسفانه از مطالباتمان چیزی پرداخت نشده است. در تاریخ ۸۵/۲/۱۰ آقای رییس جمهور، در سخنرانی خود در جمع کارگران نمونه، اظهار داشتند: افرادی که شرکت ایران الکتریک را گرفتند اهل کار نبودند و نتوانستند شرکت را پا برجا نگهدارند و قصد داریم این شرکت را دوباره به بخش دولتی برگردانیم. از تاریخ این سخنرانی، ما پی‌گیر کار شدیم. در تاریخ ۸۵/۵/۱۱، استان‌دار گیلان نامه‌ای به رییس جمهوری نوشتند که بنا به گفته‌ی شما، به دلیل این که این خانم‌ها شرکت را تعطیل کردند و به تعهدات خود عمل نکردند، از شما می‌خواهیم شرکت را به صاحب اصلی آن برگشت دهید. از ارسال این نامه یک ماه می‌گذرد. با پی‌گیری‌هایی که در تهران و در خود استان متأسفانه نتیجه‌ای نگرفته‌ایم، به همین دلیل روز دوشنبه راهی تهران شدیم. تا راسا در وزارت صنایع پی‌گیر موضوع شویم.

- چند نفر به تهران آمدید؟

- حدود ۱۵۰ نفر، شصت نفر خانم و نود نفر از کارگران مرد به نمایندگی پانصد و چهل نفر از کارگران. الان حدود دو روز است در تهران هستیم. جواب قطعی داده نمی‌شود. قرار است نامه‌ای که ریاست جمهوری به وزیر صنایع دادند به صورت ویژه بررسی شود تا در آینده نزدیک شرکت به دولت برگشت داده شود. و همچنین مطالبات کارگران نیز که حدود پنج میلیارد و نیم است در آینده‌ای نزدیک به کارگران پرداخت شود. البته این پرداخت از محل فروش زمین شرکت انجام خواهد شد.

- کارگر خانمی می‌گوید: هم‌اش وعده و وعید می‌دهند. دیشب ساعت ۸ جلسه‌ای با مسئولان داشتیم. قول‌هایی دادند ولی ما که چشم‌مان آب نمی‌خورد. زن کارگر دیگری گفت: دیشب توی خیابان خوابیدیم. حتماً مقوا نداشتیم زیرمان بیاندازیم. به خدا توی خانه جلوی پدرم پایم را دراز نمی‌کنم، حالا توی خیابان خوابیده‌ام. این شده وضع ما! این چه ظلمی است که به ما می‌کنند. سه سال است. خسته شده‌ایم. بیمه‌ی بی‌کاری خیلی از کارگران تمام شده بقیه هم به زودی تمام می‌شود. قرار بود مطالبات ما را شش ماهه بدهند، شش ماه شده دو سال و نیم.

- شرکت را چند فروختند؟

- یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان به صورت اقساط پنج ساله.

- طلب شما که بیش‌تر از قیمت کارخانه است؟

نعمتی: این شرکت در سال ۸۲ در زمان وزارت جهانگیری که از آشنایان این خانم‌ها بودند انجام شد. ظاهراً از طریق مزایده، ولی آگهی مزایده‌ای را که برای فروش گذاشته بودند اصلاً در رشت و در کارخانه دیده نشد. خودشان در تهران این معامله را کردند. با توجه به این که شرکت ۱۲ هکتار زمین داخل شهر رشت و دو کارخانه ماشین‌آلات در بیرون

شهر دارد.

کارگر دیگری ادامه داد.

- بیش‌تر از پنجاه میلیارد تومان قیمت زمین کارخانه است.

- ماشین آلاتی دارد که هنوز باز نشده، آن‌ها را از آلمان آورده بودند.

- آیا وکیل دارید؟

- نه، وکیل نداریم. طبق دستور رییس‌جمهور به وزیر صنایع و معادن این شرکت باید به دولت یا سازمان بازنشستگی و یا صنایع ملی ایران بازگشت داده شود که شش - هفت ماهی طول می‌کشد.

- آیا اگر وکیل داشته باشید بهتر نمی‌توانید از لحاظ حقوقی، خواسته‌هایتان را پی‌گیری کنید؟

- کار حقوقی طول می‌کشد.

- مگر تا به حال کار شما دو سال و نیم طول نکشیده است؟

- کی وکالت ما را قبول می‌کند. همه از آقای قبه (وکیل صاحبان شرکت) می‌ترسند. استان‌دار از ش می‌ترسه، رییس سازمان صنایع را به حساب نمی‌آورد. آن وقت وکیل را به حساب می‌آورد؟

- خودش گفت من شش ماه زندان اوین خوابیدم. هیچ کاری با من نتوانستند بکنند. شماها هم هیچ کاری نمی‌توانید بکنید.

- نمی‌دانم خانم، پشتش به کجاها گرده که این طوری رفتار می‌کند.

- به ما گفتند اگر وکیل بگیرید و از لحاظ حقوقی، کارتان را دنبال کنید تنها می‌توانید یک ماه در سال بگیرید. ولی اگر توافق کنیم، می‌توانیم سه ماه به شما بدهیم. حالا دو سال و نیم گذشته و هیچ نداده‌اند.

- می‌گویند برای فروش زمین باید تغییر کاربری داده شود تا بتوانند از محل فروش آن طلب ما را بدهند. قرار بود شش ماهه این کار انجام شود و تفکیک صورت گیرد. سند زمین به نام شرکت است و طبق توافق‌نامه گفته‌اند که زمین مال شماست.

- یعنی زمین را می‌توانند به نام کارگران کنند؟

- به نام همه که نه. طبق صورت جلسه‌ای که داشتیم، وکالت بلاعزل به نماینده‌ی کارگران بدهند تا آن را به فروش برسانند. ولی زمین را هنوز به نام کارگران نرده‌اند. ۲۴۰۰۰ متر زمین است. با حذف حریم و کوچه و... ۱۵۸۳۷ متر آن باقی می‌ماند که قیمت کارشناسی که گذاشته‌اند متری ۲۳۵۰۰۰ تومان است، می‌شود حدود چهار میلیارد.

- نمی‌شود همین زمین را بین کارگران به جای طلب‌شان تقسیم کنند. هر کس یه تکه زمین بردارد؟

- همیشه، چون طلب کارگرا فرق می‌کنه. مثلاً این آقا پنج میلیون می‌خواهد، من ۱۰ میلیون و... چون قطعات ۳۰۰ متری است، حساب کردیم اگر بخواهیم این کار را بکنیم، هر ۱۵ نفر باید یک قطعه را بردارند.

- حالا واقعا قیمت زمین همین مقدار است که کارشناسی شده است؟

- نه کم‌تره، ارزان شده (!؟) می‌گویند قیمت واقعی بین متری ۲۰۰-۱۸۰ هزار تومان است.

- پس باز هم که طلب شما می‌ماند؟

- بله بقیه جزء طلب می‌شود و طبق قرارداد مابقی را باید آقای قبه نقدا پرداخت کند.

- تازه سنوات راهم بر مبنای سال ۸۳ می‌خواهند پرداخت کنند چون همه‌ی ما در پاییز ۸۳ تسویه حساب کردیم.

- اگر وکیل بگیرید شاید بتوانید کاری کنید که سنواتتان را بر مبنای سال ۸۵ بگیرید.
- نه نمی‌شود با یک وکیل با آقای قبه در افتاد. تازه هیچ وکیلی وکالت ما را قبول نمی‌کند، پول هم نداریم. کارگرها فکر می‌کردند امروز کارشان حل می‌شود، فردا حل می‌شود. فکر می‌کردند، اگر از طریق حقوقی دنبال کنند طول خواهد کشید.
- بیمه بی‌کاری می‌گیرید؟
- از ۵۴۰ نفر حدود ۳۹۰ نفر بیمه بی‌کاری‌شان تمام شده، ۱۰۰ نفر هم تا پایان سال به اتمام می‌رسد. خانم دیگری شروع به صحبت کرد و پس از آن دیگران. هر کدام جمله‌ای می‌گفتند:
- ما دلمان می‌خواست کار کنیم، ولی به اجبار بازنشسته‌مان کردند. کسانی هستند که مستاجرند، بیمه بی‌کاری‌شان تمام شده، ولی سابقه‌ی کار یا سن‌شان برای بازنشستگی پیش از موعد کم است. ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر این شرایط را دارند.
- اکثر کارگران شرکت، بالای ۲۰ سال سابقه‌ی کار دارند.
- در یک کلام حق زندگی را از ما گرفتند.
- به بهانه‌ی نوسازی کارخانه را تخریب کردند.
- همه‌اش دروغ می‌گویند.
- به تعهدات خودشان هم عمل نمی‌کنند.
- به عنوان تغییر ساختار کارخانه را به دو قسمت تقسیم کردند. بخشی از کارخانه را بردند خارج از شهر. همه را متفرق کردند. طرح مال ۲۵ سال قبل بود که می‌خواستند تولید نعل‌اسبی شود. از این طرف مواد اولیه بیاید، از آن طرف تولیدات برود بیرون. ولی...
- مدیران قبلی می‌خواستند کارخانه را ورشکسته کنند.
- یعنی شرکت ورشکسته نبود؟
- نه، تولید داشتیم. تنها آنها می‌خواستند کارخانه را ورشکسته کنند و آن وقت خودشان آن را بخرند. ولی آقای قبه روی دست آنان زد. حالا این‌ها هم با صاحبان جدید اختلاف دارند.
- کار به شکایت کشیده.
- خبر نداریم بین‌شان چه می‌گذرد. ولی می‌دانیم که اختلاف هست.
- آن سال ۸ ماه حقوق ندادند. کار کشیدند، ۱۸۰ نفر را ۱۸ ماه نگه داشتند روزی ۱۲ ساعت کار کشیدند. تمام پنج شنبه و جمعه‌ها بدون اضافه کار، بعد حقوق عقب‌افتاده‌مان را دادند و از ما تعهد گرفتند که دیگه طلبی نداریم و تسویه حساب کرده‌ایم با شرکت. حالا این تعهد به ضرر ما شده و هر جا می‌رویم می‌گویند شما چون تسویه حساب کرده‌اید و کارگر شرکت محسوب نمی‌شوید و اختلاف بین کارگر و کارفرماست و...
- یک جای کار لنگه، فریب‌مان دادند، کار حقوقی طول می‌کشد.
- اگر این تعهدنامه و تسویه حساب نبود، برای ما کارگرها می‌توانستند برگشت به کار بزنند و خودمان تولید را دوباره شروع کنیم.
- هدف این بود که همه ما شرکت را ترک کنیم.

- حتما این تعهدنامه هم یک طرفه اجرا می‌شود، همه‌ی مواد مربوط به ما را اجرا کرده‌ایم ولی آنها مواد مربوط به خودشان را اجرا نکرده‌اند.

- یکی یکی کارگران به نزد ما می‌آمدند و حرف‌هایشان را می‌زدند.

آقای می‌گفت :

- پارسال دیسک کمر عمل کردم. ۲۴ سال سابقه‌ی کار دارم و ۴۹ سال سن. بیمه‌ی بی‌کاری ام قطع شده، یک پسر دارم که سربازه

- خانمی می‌گفت : به خاطر همین مسایل شرکت مریض شدم، بیماری قلب گرفتم.

- چند سال دارید، چقدر سابقه‌ی کار دارید؟

- ۴۷ سال و ۲۸ سال سابقه‌ی کار، دو تا بچه دارم ۲۰ و ۲۲ ساله، بی‌کارند. ببینید این‌ها نسخه‌ها، جواب اکو و سونوگرافی و... است. حتما دو سه نفر از کارگران ما در اثر فشار مالی که نتوانستند جوابگوی خانواده‌هایشان باشند، مردند.

- مردند؟ یعنی چه؟

- همین آقای طاروردی حدود ۴۵ سال داشت، بچه‌اش دانشگاه قبول شد چون بی‌کار بود و پول نداشت نتوانست برود دانشگاه سخته کرد و مرد.

خانم دیگری جلو آمد :

- خود من سرپرست خانواده هستم. مثل من حدود ۱۰۰ تا از خانم‌ها هستند که خرج‌کش خانواده‌اند. ماها می‌تونستیم زندگی آبرومندان‌های برای بچه‌ها مان تهیه کنیم. ولی حالا وضع ما این است. دخترم فوق دیپلمه ، بی‌کار و عقد کرده، نمی‌تونم بفرستم اش خونه‌ی شوهر.

- با ۲۳ سال سابقه‌ی کار و ۴۲ سال سن، تن به بازنشستگی پیش از موعد دادم. با حقوق ۸۲ هزار تومان، چطوری با این حقوق زندگی کنم، خودتان بگویید. مجبور شدم. بیمه‌ی بی‌کاری قطع شده بود، چه کار می‌تونستم بکنم.

- سال ۸۳ ما را باز خرید کردند به اجبار، به اجبار رفتیم بیمه‌ی بی‌کاری گرفتیم. در دو مرحله بیمه‌ی بی‌کاری گرفتیم. یکی سال ۸۰، یکی سال ۸۳. این باعث شد که حقوق ما پایین آمد چون در دو مرحله بیمه‌ی بی‌کاری گرفتیم.

خانم دیگری جلو آمد :

- ۲ تا دختر عروس کرده داشتیم، گفتند طلب شما را ۶ ماه دیگر می‌دهیم. سه میلیون پول قرض گرفتیم تا بتوانم دخترانم را عروس کنم. حالا هر روز طلبکارها زنگ می‌زنند، هر ماه ۹۰ هزار تومان روی بدهی من می‌رود. خانم دیگر:

- شوهرم بی‌کاره، حقوق هم نداره.

دوستش گفت:

- بگو که مریضه و از کار افتاده ، و گرنه می‌گویند چرا سرکار نمی‌رود.

- آره نمی‌تونه کار کنه. خونه‌ام نیمه کاره است، وام به ما تعلق نمی‌گیره .

- چرا؟

- می‌گویند شما حقوق ندارید، ناراحتا روحی، معده و قلب گرفتم.

- من هم خرج‌کش خانواده‌ام. ۲۷ سال سابقه‌ی کار داشتم. یک بچه‌ی عقب‌مانده دارم. شوهر ندارم. خانه ندارم. ۲۷

سال توی کارخانه جانم را گذاشتم. می‌گویند حمایت از زن بی‌سرپرست می‌کنیم، اینه حمایت‌شان؟ چه قدر بیاییم دم در استانداری و... بنشینیم، آخه خسته شدیم. هیچ کس به داد ما نمی‌رسه چون طرف‌های ما کله گنده‌اند. زن ... و زن... و دختر... کارخانه را خریده‌اند. برای رضای خدا هم که شده، بیایند حق و حقوق ما را بدهند.

آقای دیگری که گوش می‌کرد گفت:

- مگر نه این‌که این آقا متهم ردیف ۲ بوده، زندان بوده، مجرم بوده، چرا شرکت را به دست این‌ها دادند؟
- خانم، شما اگر یک خونه بخرید و تا قبل از این‌که پولش را ندهی مگر می‌توانی آن را خراب کنی، این‌ها خونه را روی سر ما خراب کرده‌اند، بدون این‌که پول و طلب ما را بدهند.

- آقای رییس‌جمهور همه جا رفته، چرا رشت نیامده، یعنی یکی نیست توی ایران که بتونه جلوی این‌ها بایسته.

- کلی پول خرج کردم پسر مهندس بشه، ۲ ساله. هرچه داشتم فروختم. حالا باید بیاید بنشینند توی خونه. چون دیگه پول ندارم که شهریه‌اش را بدهم. ۲۷ سال کار کردم. خودم مریضم پول دوا و دکتر هم ندارم این طوره که بچه‌های ما باید درس نخونن، پیش‌رفت نکنن و بچه‌های خودشان درس بخوانند و همه چیز داشته باشند؟ آن‌ها ظالمند.

- استاندار، فرماندار همه از قبه می‌ترسند، آقای... مدیر کل اداره کار استان در آن زمان سر ما را کلاه گذاشت و اون تعهد را از ما گرفت وگفت من خانواده شهید هستم و... همه از قبه می‌ترسند و جرات حرف زدن ندارند. نماینده‌های استان هم ضعیف‌اند می‌گویند از دست ما خارجه. رفتیم پیش امام جمعه. بعد از چند دفعه گفت: امام‌زاده‌ای که حاجت ندهد، بی‌غیرت است. من نمی‌توانم کاری کنم. دیگر پیش من نیایید.

- قبه می‌گوید: اگر رییس‌جمهور این حرف را نمی‌زد تابه حال زمین رافروخته بودم. این هم شدحرف؟! هنوز درددل‌های بسیاری داشتند که اتوبوس آمد. در آخرین لحظات این جملات را هم گفتند، خسته و ناامید سوار اتوبوس شدند:

- خانم فقط شرکت ما که نیست! بیایید ببینید گیلان چه خبره، شرکت‌های دیگه هم هستند و کارگران دیگه...

- خانم خواهش می‌کنیم حرف‌های ما را بدون سانسور چاپ کنید.

به قرار اطلاع در روزهای ۲۹ و ۳۰ شهریور و اول مهر حدود ۳۰۰ نفر از کارگران در خیابان‌های مرکزی شهر دست به راهپیمایی زدند و به طرف استانداری حرکت کردند. کارگران شعار می‌دادند: "قبه ... می‌کند استان (منظور استانداری) حمایت می‌کند" و ... کارگران خشمگین پس از راهپیمایی در مقابل استانداری تجمع و چند تن از کارگران سخنرانی کردند. یکی از آنها با خشم شرایط سخت زندگیش را گفت و این‌که دیگر جانش به لب رسیده و هر کاری ممکن است انجام دهد. بسیاری از کارگران بی‌کار شده یا به کارهای موقت مشغولند و یا انتظار مطالبات‌شان را دارند تا بتوانند چرخ زندگی را دوباره به گردش درآورند. مسئولان استانداری نماینده‌ای فرستادند و او در نهایت، وعده داد که جلسه‌ای تشکیل و در عرض ۱۵ روز وضعیت کارگران مشخص شود. کارگران اعلام کردند که اگر ۱۵ روز دیگر مطالبات‌شان پرداخت نشود اقدام دیگری خواهند کرد. مردم زیادی که شاهد راهپیمایی و تجمع کارگران بودند با آنها ابراز هم‌دردی می‌کردند و دوست داشتند کاری برای آنها انجام دهند.

کانون مدافعان حقوق کارگر

سه شنبه پانزدهم مرداد ۱۳۸۷